

قتل همسر بعد از تحویل سال،

خاطره بازپرس سابق تهران است

که این هفته روایتگر آن بود

خاطره  
جنایی

# سفره قتل پای هفت سین

گرفتم و به خواهرم گفتم بهتر است به خانه پدر و مادر برویم. وقتی مقابل خانه آمدیم هرچه زنگ زدیم کسی در را باز نکرد. خودمان با کلیدی که داشتیم در را باز کردیم و با جسد غرق خون مادر و مادر بزرگ کنار سفره هفت سین روبه رو شدیم. سریع با اورژانس تماس گرفتیم و وقتی پلیس و اورژانس آمدند اعلام کردند که مادر بزرگ هنوز جان دارد، اما مادرم به علت شدت جراحات جانم را از دست داده است. نمی دانم چرا پدرم در شب سال نو این جنایت هولناک را رقم زد و ما را داغدار کرد.

بعد از اتمام بررسی صحنه جرم دستور دادم جسد به پزشکی قانونی منتقل شود و تیمی از کارآگاهان اداره قتل پلیس آگاهی را مأمور کردم تا قاتل فراری را شناسایی و دستگیر کنند.

بعد از خروج از صحنه جنایت به بیمارستان رفتم تا سری به مادر بزرگ خانواده بزنم و سرخ جدیدی از این جنایت به دست آورم اما پزشکان بیمارستان اعلام کردند او باید تحت نظر باشد و امکان صحبت و بازجویی از او وجود ندارد.

حدود ساعت ۲ بامداد بود که به سمت خانه حرکت کردم و در تمام طول مسیر به این فکر می کردم چرا باید مردی در شب سال نو پای سفره هفت سین دست به چنین جنایت هولناکی بزند.

روز سوم فروردین به مسافرت رفتم و روز نهم بار دیگر در محل کارم حاضر شد. هنوز ساعتی از حضور نگذشته بود که مردی را دست بند زده وارد شعبه کردند، از مأمور بدرقه خواستم پرونده اش را برابم بیاورد و او مدعی شد این همان مرد همسرکشی است که ساعتی پس از تحویل سال مرتکب جنایت هولناک شده است.

مرد ۵۴ ساله با قامتی کوتاه و موهای جوگندمی روبه روی من نشست. هیچ استرسی در وجودش نبود و از نگاهش می شد فهمید که پشیمان نیست. از او خواستم در مورد جنایت صحبت کند که خیلی آرام شروع به صحبت کرد و گفت: آقای قاضی من از آن زندگی خسته شده بودم. همه در زندگی مادخال می کردند و همین باعث شد من نتوانم زندگی را تحمل کنم. هفته ای یکی دو بار دعا داشتیم و چند روزی با همسرم قهر بودم. این زندگی

برایم تبدیل به جهنم شده بود و به همین

خاطر دیگر نمی خواستم با همسرم

ادامه دهم اما قصدی هم برای

طلاش نداشتم. چند روز

قبل از سال نو بار دیگر

دعا بمان شد و من از

خانه بیرون زدم. روز

تحویل سال گفتم

برای آخرین بار

تلاش می کنم

شاید اشتی کردم

اما وقتی سر سفره

هفت سین نشستیم بار

دیگر همسر از اختلاف ها

صحبت کرد و مادرش جانب او

را گرفت و من را مقصر تمام اتفاقات

دانست. عصبانی شدم و به آشپزخانه رفتم،

چاقویی برداشتم و هر دوی آنها را با چاقو زدم و از خانه

بیرون زدم.

ساعتی بعد وقتی فهمیدم آنها جانم را از دست داده اند، فرار کردم اما مأموران در یکی از شهرستان ها مرا شناسایی و دستگیر کردند.

در طول مدت بازجویی و تکمیل پرونده هیچ اثری از پشیمانی در چهره مرد میانسال نبود. بعد از مدتی پرونده را کامل و به دادگاه ارسال کردم. همیشه فکر می کردم چرا برخی دخالت ها و عدم کنترل خشم باعث می شود چنین جنایت های هولناکی رخ دهد.

زمانی که بازپرس کشیک قتل بود، در ایام نوروز بیشتر از ایام دیگر امیدوار بودم قتلی رخ ندهد و در این ایام خانواده های داغدار از دست دادن جان عزیز خود نشود. سال ۹۷، شب سال تحویل و روز اول عید، کشیک قتل بودم. حدود ساعت ۲۱ سال جدید تحویل شد و یک ساعتی از شروع سال جدید می گذشت. در این مدت چند تماس در مورد مرگ های مشکوک داشتم و دستورات لازم را صادر کردم. حدود ساعت ۲۲:۳۰ بود که بار دیگر تلفن کشیک قتل زنگ خورد. این بار مأمور کلانتری ۱۰۶ نامجو بود که اعلام کرد جنایتی در حوزه استحفاظی آنها رخ داده است. وقتی جزئیات را از او خواستم مدعی شد مردی همسر و مادر زنش را با چاقو زده است. خودروی ویژه قتل دنبال آمد و در میان خلوتی شب سال نو به محل جنایت در خیابان گرگان رفتم. وقتی مقابل ساختمان سه طبقه توقف کردیم، دیدم که چند نفر جمع شده اند و رقص نور چراغ های خودروهای پلیس روی ساختمان ها خودنمایی می کند. همین تجمع خودروهای پلیس باعث شده بود با این که هنوز ساعتی از آغاز سال نو نگذشته نگاه های کنجکاو اهالی به سمت خانه شماره ۴۷ بیفتد و در مقابل آن تجمع کنند.

مأمور کلانتری وقتی مرا دید به سمت طبقه دوم راهنمایی ام کرد و در طول مسیر گفت طبق آن چه خانواده مقتول می گویند عامل این جنایت پدر خانواده است. به داخل خانه رسیدم جسد زن میانسال را دیدم که غرق خون روی زمین در کنار سفره هفت سین افتاده بود. نیروهای تشخیص هویت مشغول عکس برداری و نمونه برداری از محل جنایت بودند. پزشک قانونی تا مرا دید نزدیک آمد و گفت: زن میانسال با اصابت ۷ ضربه چاقو به نقاط حیاتی بدنش مانند شکم، زیر سینه و گلو جانم را از دست داده است.

ضربات وارد شده به جسد به گونه ای بود که مشخص بود قتل از روی کینه و عصبانیت رخ داده است چرا که تمام ضربات عمیق وارد شده و چاقوی خونین نیز کنار جسد افتاده بود.

در همین حین افسر کلانتری بار دیگر پیش من آمد و گفت مادر مقتول نیز به شدت مجروح شده بود که به بیمارستان منتقل شده و طبق آخرین خبری که به دستم رسیده است زنده می ماند و از این جنایت جان سالم به در برده است.

در حال بررسی صحنه جرم بودم که در یکی از اتاق ها صدای گریه توجهم را جلب کرد. وقتی وارد اتاق شدم دختر و پسر جوانی را دیدم که مشغول گریه و زاری بودند. از آنها خواستم آرام باشند تا بتوانم تحقیقات را انجام دهم. پسر جوان پس از چند دقیقه و با خوردن یک لیوان آب مقداری آرام شد و شروع به صحبت کرد. او در حالی که صدایش می لرزید به من گفت آقای قاضی می بینید شب عید چه بلایی سرمان آمد و پدرمان این جنایت هولناک را رقم زد.

از او خواستم شمرده تر صحبت کند که بعد از دقایقی سکوت گرفت: پدر و مادرم با یکدیگر اختلاف داشتند. ساعتی قبل پدرم با ماتماس گرفت و گفت که می خواهد شب سال نو به خانه بیاید و کدورت ها را کنار بگذارد. به خاطر دعوای آنها چند وقتی است که من و خواهرم جدا شده و در خانه ای دیگر زندگی می کنیم. وقتی پدرم این صحبت ها را کرد کمی آرام شدم و فکر کردم می خواهد برای همیشه به دعوایشان پایان دهد. هنوز ۴۵

دقیقه از سال نو نگذشته بود

که دل شوره عجیبی

## تپش

۲ | ویژه نامه حوادث | روزنامه جام جم

چهارشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۱ | شماره ۱۰۱

## نوروز سبز را سیاه نکنید

با فرارسیدن روزهای پایانی سال و نزدیکی سال جدید و پژوهشگر آتش نشانی

آغاز مسافرت های نوروزی، توجه به مسائل ایمنی در طول روزهای سفر برای تفریح ایمن و سلامت هموطنان، بیش از پیش اهمیت پیدا می کند. آمارهای سالانه از حوادث مختلف در طول سفر و خطرات جانی پیش آمده برای شهروندان که سبب بروز اتفاقات تلخ و حتی مرگ آنها شده، ارائه تذکرات پیشگیرانه را ضروری کرده است. از جمله حوادث پر تکرار در سفرهای نوروزی شهروندان، گاز گرفتگی و مرگ ناشی از آن است که با رعایت چند نکته ساده، می توان از بروز اتفاقات ناگوار و بیجا ماندن خاطرات تلخ از سفر جلوگیری کرد.

طبیعت گردی در ایام نوروز و برپایی چادرهای مسافرتی در اماکن مختلف برای گشت و گذار در طبیعت، همواره با بروز حوادث گاز گرفتگی و مرگ ناشی از آن همراه بوده است. بنابراین حتما در برپایی چادرها و استفاده از آن به مدت طولانی نکات ایمنی را رعایت کنید تا نوروز سبز به سیاهی و تلخی تبدیل نشود.

در صورت نیاز به گرم کردن محیط داخل چادرها، به هیچ عنوان از آتش یا گاز پیک نیک استفاده نکنید. انتشار گاز مونوکسید کربن (CO) و دی اکسید کربن (CO<sub>2</sub>) حاصل از آتش در فضای چادر سبب گاز گرفتگی و مرگ خواهد شد. انجام این کار بخصوص در زمان استراحت و خواب، بسیار خطرناک و علاوه بر خطر گاز گرفتگی، خطر بروز حریق ناشی از آن نیز بسیار بالاست. برای گرم کردن چادرها، بهتر است از وسایل گرمایشی شارژی مخصوص چادر استفاده شود.

در صورت استفاده از چوب برای تامین گرمای چادرها، استفاده از چادرهای خیمه ای به جهت داشتن تهویه سقفی یا چادرهای مجهز به دودکش ضروری است، البته به هیچ وجه در طول شب از ذغال برای گرم کردن محیط استراحت استفاده نکنید.

در زمان استفاده از وسایل گرمایشی، ورود و خروج هوا در چادرها بسیار مورد اهمیت است، بنابراین از بستن منافذ و تهویه های چادر خودداری کنید.

در صورت بروز علائم گاز گرفتگی مانند احساس سنگینی هوا، تهوع، تاری دید، سرگیجه و ... سریعا چادر را به سمت فضای آزاد ترک و به نزدیکترین مرکز درمانی مراجعه کنید.

اگر به دلیل نقص فنی خودرو، مجبور به توقف شده یا نیازمند استراحت در طی مسیر هستید، اگر خودروی تان سیستم گرمایشی مناسبی ندارد، برای گرم کردن خود از آتش یا گاز پیک نیک به دلیل انتشار گازهای سمی، استفاده نکنید. بیشتر سعی کنید لباس های گرم بپوشید یا در فضای باز آتش کوچکی روشن کنید و پس از استفاده، حتما از خاموش شدن آن مطمئن شوید.